

**ORIGINAL ARTICLE**

# Analysis of tax relations of Songhor owners with the central government in the late Qajar period and Reza Shah's government

Toktam Yarmohammadi<sup>1\*</sup>, Friborz Veisi<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of History, Payame Noor, Tehran, Iran.

<sup>2</sup> PhD student of Iran's history after Islam, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

**Correspondence**

Toktam Yarmohammadi

Email: [t.yarmohamadi@pnu.ac.ir](mailto:t.yarmohamadi@pnu.ac.ir)

## A B S T R A C T

Songhar and Keliae is one of the fertile areas in Kermanshah that was considered by some influential families of this government during the Qajar period. They bought a lot of land in the area by buying people's property for a small price. Two of the great landowners of this region are Abdul Hussein Farmanfarma and Amanullah Khan Fath al-Sultan, the former being the Qajar prince and the latter one of the elders of the Sanghar district. Due to the financial crisis and the outbreak of the First World War, these landowners in the late Qajar period avoided timely payment of their land taxes. The government often appealed these people, but~~But~~ after the coup of 1299~~—~~, Especially after the prime ministership and reign of Reza Shah, they were severely audited. The main question of the present study is why the landowners in Sanghar had tax debts and how ~~did~~the Qajar and Pahlavi governments dealt with this issue.<sup>2</sup> This research has been done by descriptive-analytical method and its reliance is on the documents related to two of the major landowners of Songor region. The findings of the study indicate that the owners of the Qajar period, due to the exemptions provided by the government and the influence they had in the court, refused to pay their taxes on time. But early in Reza's reign and reign, due to his need to fund his extensive reforms and renovations through taxation and his greed to seize their fertile lands, these landlords were severely audited.

**How to cite**

Yarmohammadi, T. & Veisi, F. (2022). Analysis of tax relations of Songhor owners with the central government in the late Qajar period and Reza Shah's government. *Iran Local Histories*, 11(1), 69-90.

## K E Y W O R D S

Songhar, landlords, tax, Qajar, Pahlavi.

نشریه علمی

## تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

# واکاوی مناسبات مالیاتی مالکین سنقر با حکومت مرکزی در اواخر دوره قاجاریه و دولت رضاشاه

تکتم یارمحمدی<sup>۱\*</sup>، فریبرز ویسی قلعه گلینه<sup>۲</sup>

### چکیده

سنقر و کلیایی یکی از مناطق حاصلخیز در کرمانشاه است که در دوره قاجار مورد توجه برخی از خاندان‌های متنفذ این حکومت قرار گرفت. آنها آن‌ها با خرید املاک مردم به بهای اندک، صاحب زمین‌های فراوانی در این منطقه شدند. دو تن از ملاکین بزرگ این منطقه، عبدالحسین فرمانفرما و امان‌الله خان فتح‌السلطان بودند که اولی شاهزاده قاجاری و دومی از بزرگان منطقه کلیایی سنقر است. این ملاکین در اوخر دوره قاجار به علت بحران‌های مالی و موقع جنگ جهانی اول از تسویه به موقع مالیات اراضی خود شانه خالی کردند، دولت نیز با این افراد غالباً رویه مماشات را در پیش می‌گرفت، اما پس از کودتای ۱۲۹۹ش. به ویژه بعد از نخست وزیری و پادشاهی رضاشاه، حسابرسی شدیدی از آنها آن‌ها به عمل آمد. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که چرا ملاکین متنفذ سنقر بدھی مالیاتی داشتند و حکومت‌های قاجار و پهلوی اول با این مساله چگونه برخورد کرد؟

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و تکیه آن بر اسناد مربوط به دوتن از ملاکین بزرگ منطقه سنقر است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ملاکین دوره قاجار با توجه به معافیت‌هایی که حکومت برای آنها آن‌ها در نظر گرفته بود و نفوذی که در دربار داشتند، از تسویه به موقع مالیات‌های خود امتناع می‌کردند، اما در اوایل دوره نخست وزیری و پادشاهی رضاشاه با توجه به نیاز او برای تأمین بودجه اصلاحات و نوسازی‌های گسترده خود از طریق مالیات‌گیری و نیز طمع وی به تصاحب اراضی حاصلخیز آنها، آن‌ها، حسابرسی شدیدی از این ملاکین صورت گرفت.

### واژه‌های کلیدی

سنقر، ملاکین، مالیات، قاجار، پهلوی.

نویسنده مسئول:

تکتم یارمحمدی

رایانه‌ام: t.yarmohamadi@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

یارمحمدی، تکتم و ویسی قلعه گلینه، فریبرز (۱۴۰۱). واکاوی مناسبات مالیاتی مالکین سنقر با حکومت مرکزی در اوخر دوره قاجاریه و دولت رضاشاه. *فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران*، ۱۱(۱)، ۶۹-۹۰.

اختصاصی در کرمانشاه (پهلوی اول)»، کرمی و رحمانیان (۱۳۹۸) و «عبدالحسین میرزا فرمانفرما» تبریزی نیا تبریزی (۱۳۸۲): صورت گرفته است که با وجود اشاره به مناسبات سیاسی و اقتصادی خاندان‌های بزرگ قاجار با حکومت و ارکان اداری آن، به هیچ کدام از یافته‌های پژوهش حاضر اشاره ندارند. بنابراین پژوهش پیش‌روی با مدت‌ظرف قرار دادن تمام تحقیقات گذشته تلاش دارد مباحث تازه‌ای را در این مورد بررسی و تحلیل کند.

### زمینداری و چالش‌های مالیاتی در دوره قاجار

زمینداری و مالکیت در دوره قاجار را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱. زمین‌های شاهی که در اختیار شاه و حکومت بود و به آن خالصه نیز می‌گفتند. ۲. زمین‌های اربابی که در مالکیت زمینداران بود. ۳. زمین‌های وقفی که در اختیار مؤسسات مذهبی قرار داشت. ۴. زمین‌های دهقانی که در تملک تولیدکنندگان مستقیم بود (سیف، ۱۳۷۳: ۶۵-۶۶).

در دوره ناصرالدین‌شاه و جانشین او مظفرالدین‌شاه با توجه به نیازی که به پول داشتند، بخش زیادی از اراضی خالصه را با این عقیده که اگر به صورت خصوصی اداره شوند، توسعه بهتری خواهند یافت، فروختند. میزان فروش اراضی خالصجات براساس درآمد سه سال گذشته تخمين زده می‌شد (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۲۰). مالکان جدید حق فروش این املاک را نداشتند و ممکن بود زمانی دولت این زمین‌ها را از آن‌ها پس بگیرد (المبتنو، ۱۳۶۲: ۲۸۷).

به دنبال این رویکرد، بزرگ مالکی بیش از گذشته رشد کرد. آن‌ها با صادرات محصولات کشاورزی به صورت پول نقد، از قدرت اقتصادی بالایی برخوردار شدند و دربار نیز وسوسه شد مالیات را به جای تعیین تیول، مستقیماً جمع‌آوری کند. مالکان هم به همین علت در صدد تبدیل اراضی وقفی و تیول به اراضی خصوصی بودند و هر کجا که راه داشت تسلط خود را بر دهقانان افزایش داده و یا املاک آن‌ها را غصب می‌کردند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۱۹؛ سیف، ۱۳۷۳: ۶۵).

به این ترتیب در اوایل قرن بیستم مصادف با اواخر دوره قاجار اوضاع دهقانان رو به سختی نهاد و حقوق سنتی آن‌ها از بین رفت. اکثر روستاهای مالکیت مالکان درآمد. قرض و وام افزایش یافت و بیشتر دهقانان به تدریج به صورت اجاره‌داران بی‌زمین درآمدند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۶). زمین‌داران جزء نیز همواره از اجحافات مالیاتی رنج می‌بردند. دولت‌آبادی در این باره می‌نویسد، مردم بی‌نوا علاوه‌بر مالیات معمول باید مالیات‌هایی را که به بجهانه‌های مختلف اعمال می‌شد، پرداخت کند و صاحبان ثروت و قدرت نیز با

### مقدمه

در دوره قاجار کسب درآمد از طریق اخذ مالیات فرازندهای زیادی داشت و قانون منظمی برای آن وجود نداشت! عده‌ای همچون ملاکین بزرگ و افراد متنسب به خاندان قاجار به راحتی از دادن مالیات شانه خالی می‌کردند و عده‌ای دیگر مانند مردم عادی و خاندان‌های ناهمسو با قاجار از اجحافات مالیاتی و ظلم و تعدی اموران مالیاتی صدای تظلم‌خواهی سر می‌دادند. این چالش‌ها در اواخر دوره قاجار که احمدشاه سایه قدرت‌طلبی رضاخان را بر روی سلطنت خود حس می‌کرد، بیشتر شد، زیرا رضاخان در راستای نوسازی امور مالیه و تأمین هزینه‌های اصلاحات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق مالیات‌گیری، خواستار حسابرسی کامل و بدون اغماض از ملاکین متنفذ و بزرگ ایران بود و در پاره‌ای از موارد املاک آن‌ها را با شگردهای خاصی به خود منتقل می‌کرد. مسئله اصلی پژوهش حاضر واکاوی علل و عواملی است که زمینه بدھی مالیاتی را برای ملاکین متنفذ دوره قاجار فراهم می‌آورد و شیوه‌های برخورد با این بدھی‌های مالیاتی در دوره قاجار و پهلوی اول است. سوالات این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. چرا ملاکین منطقه سنقر در دوره قاجار بدھی مالیاتی داشتند؟ ۲. شیوه‌های وصول مالیات در دوره قاجار و پهلوی اول چگونه بود؟ با توجه به اهداف پژوهش انتظار می‌رود روش‌های مالیات‌گیری و مناسبات ارضی مالکان با حکومت‌های قاجار و پهلوی بررسی شود و بخشی از اسناد مرتبط با ملاکین بزرگ سنقر در این دوره‌ها مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد.

**در ارتباط با این موضوع تاکنون تحقیق جامع و مستندی صورت نگرفته است، ولی در سال‌های گذشته تحقیقاتی انجام گرفته که بخشی از آن به اوضاع مالی و شیوه‌های مالیات‌گیری و نیز عملکرد سیاسی و اقتصادی فرمانفرما و فتح‌السلطان مربوط می‌شود. کتاب‌هایی با موضوع: «جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان» نوشته سلطانی (۱۳۷۳)، «کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن» اثر افسار سیستانی (۱۳۸۱)، «کرمانشاهان در عصر قاجار» از بیگلری، در این آثار، تاریخ و جغرافیای کرمانشاه در یک دوره طولانی بیان شده است، هرچند که در بخش‌هایی از آن تلاش شده در مورد مناسبات اقتصادی ملاکین بزرگ با حکومت قاجار و پهلوی اول مطالبی ارائه گردد، ولی این مطالب به صورت کوتاه و سطحی بیان شده و توجه عمیقی به آن نشان داده نشده است. در این حوزه مقالاتی نیز با عنوانین «مالکیت**

۱. برای اطلاع بیشتر رک: (شمس، بی‌تای: ۵۲-۶۴).

برخی از رجال سیاسی و سران مشروطه نظیر محمد ولی‌خان تنکابنی و ناصرالملک با وجود داشتن املاک و دارایی و درآمدهای کلان از پرداخت مالیات به خزانه دولت طفه‌می‌رفتند (بزرگ‌امید، ۱۳۶۳: ۲۱۲).

در مقابل، قاجارها روش‌های سختگیری‌سختگیرانه‌ای برای وصول مالیات از مخالفان خود به کار می‌بردند و اجحافات متعددی بر آن‌ها روا می‌داشتند. یکی از این مخالفان خاندان زندیه بود که از زمان انقراض بوسیله آقامحمدخان تا پایان دوره قاجار با وجود کم‌خطر بودن برای حکومت، مورد اجحاف قرار می‌گرفتند. آن‌ها بعد از تبعید توسط آقامحمدخان، چه در ملایر؛ سکونتگاه آباء و اجدادشان و چه در قم مورد اجحافات زیادی قرار گرفته و سران آن‌ها با ارسال نامه‌هایی متعدد از دولت درخواست رسیدگی به اجحافات صورت گرفته علیه آن‌ها را دارند، هرچند که وزارت مالیه به اداره مالیات دستور رسیدگی می‌دهد (ساکما، شماره ردیف ۱۳۶۴، محل در آرشیو ۱۵۵۸۱، محل در آرشیو ۲۳۲۵، محل در آرشیو ۲۳۰۰۰۲۳۲۵) این اداره تخفیفی برای اراضی خوانین زندیه قائل نیستند و اجحافات در طول این دوره ادامه دارد (ساکما، شماره ردیف ۱۰۶۱، محل در آرشیو ۱۱۱۳۱، محل در آرشیو ۲۱۰۶۱) آن‌ها با ارسال نامه‌هایی متعدد از دولت درخواست رسیدگی به اجحافات صورت گرفته علیه آن‌ها را دارند، هرچند که وزارت مالیه به اداره مالیات دستور رسیدگی می‌دهد (ساکما، شماره ردیف ۱۳۶۴، محل در آرشیو ۱۵۵۸۱، محل در آرشیو ۲۳۲۵، محل در آرشیو ۲۳۰۰۰۲۳۲۵) این اداره تخفیفی برای اراضی خوانین زندیه قائل نیستند و اجحافات در طول این دوره ادامه دارد (ساکما، شماره ردیف ۱۰۶۱، محل در آرشیو ۱۱۱۳۱، محل در آرشیو ۲۱۰۶۱).

به این ترتیب دوران اولیه قاجاریه در زمینه مالیات ارضی و اداره کردن آن را می‌توان ناشی از انحطاط، سوءتدبیر، ظلم و ناامنی دانست. بعد از برقراری حکومت مشروطه در ایران قوانینی در زمینه مالیه تدوین گردید و اوضاع را تاحدودی قانونمند کرد. به این شکل که بودجه وزارت‌خانه‌ها براساس مالیات‌های بهدست آمده، تخصیص می‌یافت (لمبورن، ۱۳۶۲: ۲۸۴، ۲۸۲، ۳۳۲). این امر موجب اهتمام بیشتر همه نهادهای حکومت در امر مالیات‌گیری می‌شد.

### سیاست‌های زمینداری و مالیاتی رضاشاه

رضاخان از اردیبهشت سال ۱۳۰۰ ش. که به عنوان وزیر جنگ وارد دولت قاجار شد، تلاش گسترده‌ای را برای نوسازی و اصلاح نهادهای نظامی، مالی، فرهنگی، آموزشی و صنعتی کشور به کار گرفت. سیاست‌های او در رابطه با مالکیت، زمینداری، مالیات‌گیری و روابط با خوانین و متنفذین محلی حول چندمحور جریان داشت؛ ابتدا وی با نوسازی نهادهای مالی برای بهبود امر مالیات‌گیری و متعاقب آن تأمین بودجه، اصلاحات گسترده‌اش را شروع کرد. در سال ۱۳۰۱ ش. با تصویب مجلس یک هیئت ۱۶ نفری آمریکایی به رهبری آرتور میلسپو برای اصلاح امور مالی استخدام شد. این هیئت مسئولیت تمام امورات مالی را بر عهده گرفت. از نظر میلسپو در مدت حضور آن‌ها، اداره مالیه به‌طور کلی سازماندهی شد، بسیاری

واسطه‌هایی که داشتند بر آن‌ها ظلم و ستم روا می‌داشتند (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۱۰۰).

علاوه بر آن اغتشاشات و عدم ثبات سیاسی در دوره قاجار جریان وصول مالیات را با مشکل مواجه می‌کرد و از طرف دیگر به بزرگ مالکان، زمینداران، تجار و اشراف امکان می‌داد که از پرداخت مالیات شانه خالی کنند. در واقع نپرداختن مالیات از طرف رجال قاجاری را می‌توان متأثر از ارتباطات تنگاتنگ و پیچیده فامیلی و ایالتی جامعه ایران دانست (شمس، بی‌تا: ۵۴). به این موارد باید بخشودگی‌های مالیاتی شاهان قاجار نسبت به زمینداران و حکام ایالات در ازای خدمات آن‌ها را نیز اضافه کرد (کرونین، ۱۳۸۳: ۳۷۶-۳۷۷).

مستوفی، حرص و طمع عمال حکومتی در دریافت مالیات از مردم را بزرگ‌ترین مشکل حکومت قاجار می‌داند. به این شکل که حکام ایالات از زیرستان خود مالیاتی بیش از آن چیزی که دولت تعیین کرده بود، می‌خواستند. آن‌ها هم ناگزیر بودند بر بلوک‌باشی و آن‌ها هم بر کدخدايان روستاهای مالیات بیشتری تحمل کنند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱۰۱).

افراد مانند عین‌السلطنه<sup>۱</sup> و اعتضادالملک نیز با وجود اینکه خود از خاندان حکومتگر قاجار بودند در خاطراتشان به صراحة از ظلم بر مردم و اجحافات مالیاتی سخن می‌رانند (ر: عین‌السلطنه، ۱۷۴: ۴۴۸؛ اعتضادالملک، بی‌تا: ۱۵۹-۱۶۰). کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان، ضمن انتقاد از اجحافات مالیاتی قاجارها، به فروش کودکان قوچانی به ترکمنان برای وصول مالیات اشاره می‌کند (کرمانی، ۱۳۵۷: ۹۵-۹۷).

نجم‌آبادی، سازوکار مالیات‌گیری بی‌حساب و کتاب قاجارها و عدم نظارت حکومت مرکزی بر وصول مالیات مناطق مرزی را از علل فروش دختران قوچانی می‌داند. فروش دختران قوچانی به ترکمانان و ارمنه عشق‌آباد در بهار ۱۳۲۳ ق. در دوره حکمرانی غلام‌رضاخان آصف‌الدوله در خراسان روی داد (نجم‌آبادی، ۱۹۹۵: ۱۱).

در کنار این موارد نمونه‌های زیادی وجود دارد که بر فرار مالیاتی افراد متنفذ حکومتی اعم از ملاکین بزرگ، حاکمان ایالت‌ها و افراد درباری تأکید دارد. برای نمونه حشمت‌الملک، حاکم قائن بر سر مالیات سیستان با دولت به مشکل خورده و از دادن مالیات آن منطقه شانه خالی می‌کرد (اعتضادالملک، بی‌تا: ۱۱).

۱. عین‌السلطنه در خاطراتش می‌نویسد، روستای تاج خانون که متعلق به میرزا رضا قلی خان است ۲۵ تومان اصل مالیاتی است، ولی مأموران مالیاتی ۲۵۰ تومان به علاوه ۶۰ خروار غله دریافت می‌کنند (عین‌السلطنه، ۱۷۴: ۴۴۸ / ۱).

همه ثروت خود را در آنجا جمع کند که اگر زمانی مقام کنونی خود را از دست داد به آنجا رفته و به زندگی مرفه خود ادامه دهد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۶۲/۴).<sup>۲۶۲</sup>

تملک املاک توسط رضاشاه از راههای همچون انتقال اراضی اشخاص به دولت و انتقال دولت به شخص شاه یا انتقال از اشخاص به رضاشاه با بهای اندک به وسیله ثبت استناد در دفترخانه‌ها، صورت می‌گرفت (مکی، ۱۳۶۲: ۱۲۷-۱۲۸/۶). به این ترتیب رضاشاه در دوران سلطنتش به بزرگ‌ترین مالک ایران تبدیل شد، به شکلی که در سال ۱۳۲۰ ش. صاحب ۲۱۰۰ دهکده بود و حدود ۲۵۰ هزار مالک و رعیت روی زمین‌های او مشغول به کار بودند (علم و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷).<sup>۲۶۳</sup>

محور سوم سیاست‌های مالکیت، زمین‌داری و مالیات‌گیری رضاشاه، کاستن از قدرت خوانین محلی و **متنفذین** قاجاری در جهت تقویت حکومت مرکزی با تحت فشار قراردادن و تصاحب اموال و املاک آن‌ها بود؛ مهم‌ترین خوانین و بزرگ مالکانی که قربانی این سیاست رضاشاه شدند، اقبال‌السلطنه ماقویی، سپهسالار تنکابنی و عبدالحسین فرمانفرما بودند که در مورد سومی در جای خود بحث خواهد شد، اما درباره دو نفر اول باید گفت، اقبال‌السلطنه ماقویی به بهانه عدم پرداخت بدھی‌های مالیاتی از هستی ساقط شد؛ وی از خوانین **متنفذ** و قدرتمندی بود که حتی در سال ۱۳۰۰ ش. بدون آگاهی دولت ایران با شوروی قرارداد بازرگانی امضاء کرده بود. ماقویی با دستور رضاخان و توسط والی نظامی آذربایجان، امیر طهماسبی در سال ۱۳۰۲ ش. دستگیر شد و چند روز بعد در زندان درگذشت. رضاخان تمام ثروت ماقویی را برای خود تصاحب کرد و حتی مالیات عقب‌افتاده او به خزانه را نیز پرداخت نکرد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۷۹/۳-۵۸۱؛ دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۲۷۵/۴). سپهسالار تنکابنی دومین زمیندار بزرگی بود که توسط رضاشاه از بین رفت و اموالش به تملک شخص شاه درآمد. تنکابنی به علت بدھی یک میلیون تومانی به بانک استقراضی روسیه مورد مؤاذنه قرار گرفت. واگذاری بانک استقراضی روسیه بعد از انقلاب ۱۹۱۷ م. توسط دولت شوروی به ایران، بهانه خوبی به دست رضاشاه داد که سپهسالار را از قدرت بیندازد و املاک فراوان او را در مازندران مصادره کند (بیانی، ۱۳۸۸: ۹۴۲). شاه با این بهانه که تنکابنی باید بدھی خود را به بانک کشاورزی تسویه کند، اموال وی را در اختیار این بانک قرارداد، بانک هم اموال و املاک را به رضاشاه انتقال داد، تنکابنی بعد از این اتفاق خودکشی کرد (یادداشت‌های محمدولی خان تنکابنی، ۱۳۷۸: ۲۱۴). با روشی که رضاشاه به کار برد، بعد از تبعید او، خانواده تنکابنی به عنوان

از هدر رفتها ریشه کن گردید و یک سازمان خرید مرکزی تأسیس شد که از طریق آن همه نیازهای دولت خریداری می‌شد (میلسپو، ۱۳۹۶: ۴۸-۵۰). در نظام مالیاتی میلسپو وصول دو نوع مالیات منظم و نامنظم پیش‌بینی شده بود، که مالیات اراضی جزو مالیات‌های منظمی بود که باید مستمرًا وصول می‌شد (آوری، ۱۳۷۳: ۱/۵۰). روند رو به رشد و مستمر مالیات‌گیری بیش از همه ارتش نوین رضاشاه را گسترش داد. بودجه این ارتش از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ش. پنج برابر شد و تعداد نیروهای آن نیز از ۴۰۰۰۰ نفر به ۱۲۷۰۰۰ نفر رسید (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۲۴). میلسپو با سروسامان دادن به اوضاع وزارت مالیه ایران، تلاش کرد برای تأمین هزینه‌های نوسازی‌های رضاشاه، مالیات‌های عقب‌افتاده خوانین بزرگ ایران به ویژه خوانین بختیاری را وصول کند، او میزان این بدهی را ۲۳۰۰۰۰ تومان برآورد کرد. وی در این راستا تمام بخشودگی‌های مالیاتی شاهان قاجار نسبت به زمینداران و حکام ایالات را لغو کرد (کرونین، ۱۳۸۳: ۳۷۶-۳۷۷). از نظر میلسپو دریافت اجباری مالیات از جمله مالیات‌های معوقه برای بازسازی وضع خراب مالی ایران امری حیاتی بود (همان: ۳۷۷). درنهایت او در سال ۱۳۰۶ ش. به علت اختلاف با رضاشاه بر سر هزینه‌های هنگفت ارتش از مسئولیت خود کناره‌گیری کرد و دوباره امور مالی به صورت کامل تحت نظارت شاه درآمد (همان: ۱۳۹).

درنهایت با اینکه رضاشاه در بخش‌های زیادی از جمله ارتش، بهداشت، آموزش و غیره نوسازی‌های زیادی انجام داد، اما نظام زمین‌داری اصلاحات چنانی را تجربه نکرد. اقدامات انجام‌شده در این زمینه تنها به مصادره املاک بزرگ مالکانی اختصاص داشت که با رضاشاه از نظر سیاسی همسو نبودند. شاه موفق شد مالکین قدیمی را مطیع خود کند و قشر نوینی از آریستوکراسی زمیندار را به وجود آورد (زرجر، ۱۳۷۲: ۱۳۲). این قشر نوین شامل نظامیان، کارمندان عالیرتبه، تجار و بازرگانان می‌شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۸۸).

محور دوم سیاست‌های مالکیت و زمینداری رضاشاه، اشتیاق او برای تصاحب زمین‌های مرغوب و حاصلخیز ایران بود؛ **رضا شاه در همان روزهای آغاز به کار در منصب وزارت جنگ** (۱۳۰۰ ش)، به صورت گسترده زمین و املاک را به تصرف خود درآورد، وی ابتدا زمین‌هایی را در تهران تصاحب کرد، سپس در دوران ریاست‌الوزرایی (۱۳۰۲ ش) به سوی مازندران رفت و در دوران سلطنت به طرف گرگان، گیلان، غرب، شمال غرب و سایر نقاط کشور کشیده شد (مکی، ۱۳۶۲: ۶/۲۰-۲۴). دولت‌آبادی در این مورد می‌نویسد، وی آرزو دارد مالک تمام مازندران شده و

است که در گندمزارها و بیشه‌های این منطقه به‌طور انبوه دیده می‌شود (بیگلری، ۱۳۷۶: ۷۳).

تا قبیل از دوره زندیه، معمولاً حاکمان غیربومی برای سنقر انتخاب می‌شد، به‌گونه‌ای که در زمان شاه عباس اول این منطقه به‌عنوان تیول به مصطفی پاشا، فرزند اوزن احمد، حاکم بغداد و اگذار شد (ترکمان منشی، ۱۳۸۲: ۷۸۱/۲). ولی در دوره زندیه برای اولین بار سران ایل کلیایی به حکومت سنقر منصوب شدند. بزرگان این ایل در تحولات دوره زندیه ایفای نقش کردند و حتی از طرف پادشاهان زندیه به حکومت بعضی از مناطق فارس نیز رسیدند (ر.ک.: نامی، ۱۳۶۸: ۱۳۶۸-۳۱۷؛ ۱۳۷۱: ۳۱۹-۳۱۶). در دوره قاجار حکومت این شهر بین شاهزادگان قاجاری و خوانین محلی دست به‌دست می‌شد و هر دوره‌ای در اختیار یکی از آن‌ها قرار می‌گرفت (ر.ک.: سلطانی، ۱۳۷۱: ۱/۱؛ ۳/۱؛ مردوخ، ۱۳۶۴: ۱۳۶۴-۱۴۴/۲).

**تأثیر جنگ جهانی اول بر بدھی مالیاتی فتح‌السلطان**  
امان‌الله‌خان فتح‌السلطان (۱۲۷۰-۱۳۳۹ش.). یکی از خوانین و ملاکین بزرگ منطقه کلیایی سنقر بود که دهات زیادی را در اختیار داشت. فتح‌السلطان و رقیب محلی او حسینقلی‌خان امیرامجد در جریان شورش سالارالدوله در غرب ایران به مانند بسیاری خوانین غرب کشور به شاهزاده یاغی قاجار پیوستند (سنچایی، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳). در آن دوره از طرف سالارالدوله، حسن پاشا کلیایی حکمران سنقر بود. این خان محلی، دست تعدادی به جان و مال و ناموس مردم سنقر دراز کرد و همه جور ظلم و مستم را بر ایشان روا داشت. مردم سنقر چندبار به‌وسیله نامه‌نگاری از مجلس مشروطه تظلم خواهی کردند، اما در اوضاع آشفته آن زمان کسی به داد آن‌ها نرسید (گزیده استادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاه، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵-۱۸۷).

شرکت در لشکرکشی سالارالدوله علیه حکومت مرکزی، آخرین همکاری فتح‌السلطان و حسینقلی‌خان امیرامجد در کنار هم بود، زیرا بعد از شکست سالارالدوله در سال ۱۲۹۱ش. از تیروهای دولتی به فرماندهی عبدالحسین فرمانفرما، خوانین کلیایی دو دسته شدند، گروهی به سرستگی سردار اشرف و امیرامجد به‌علت اختلاف با فرمانفرما و تعدیات او به املاک کلیایی، همچنان با شاهزاده

شکاری و نسبتاً بزرگ است که معمولاً بر روی صخره‌های بلند آشیان می‌سازد. یک روستا در سنقر به‌نام چرخلان (= لانه چرخه) وجود دارد. همچنین در روستاهای شمال سنقر که صخره‌های بلند دارند، جاهایی به‌نام چرخلان دارند. پادشاهان درگذشته از این پرنده برای شکار پرنده‌گان کوچک استفاده می‌کردند (ر.ک.: آفائلزاده، داوری، ۱۳۸۴: ۱۵۳؛ بیگلری، ۱۳۷۶: ۷۴).

ورثه او نمی‌توانستند ادعای بازگشت املاک را داشته باشند، چون طبق اسناد رضاشاه املاک را از بانک خریداری کرده بود و آن‌ها با بانک طرف می‌شدند (مکی، ۱۳۶۲: ۶/۱۳۴-۱۳۵).

همچنین رضاشاه زمینداران و بزرگان ایلات و طوایفی را که سد راه تمرکزگرایی دولت بودند به صورت طایفه‌ای و خانوادگی تبعید و املاکشان را در محل مصادره کرد (کرمی و رحمانیان، ۱۳۹۸: ۹۵). تحت فشار قراردادن و فروپاشی قدرت و نفوذ خوانین ایلات بختیاری و شاهسون (ر.ک.: کرونین، ۱۳۸۳: ۲۴۱-۲۴۴؛ ۲۶۹-۲۷۹) و مصادره املاک خوانین کاهر و سنجابی در همین راستا صورت گرفت (ساکما: ۱۰۷۵۷/۱۰۷۵۷).

### نگاهی به جغرافیای طبیعی و تاریخی سنقر

سنقر و کلیایی با مساحتی حدود ۲۲۴۲ کیلومتر مربع در چهارده فرسخی شمال شرقی کرمانشاه قرار دارد (سلطانی، ۱۳۷۰: ۱/۲۸). این شهر در دشت پهناوری قرارگرفته که اطراف آن را کوههای داله‌خانی، مادیان کوه، کمرزرد، بوسوار و غیره فراگرفته است (افشارسیستانی، ۱۳۸۱: ۱/۱۴۸) و از دو حوزه آبریز سرشاخه‌های رودخانه گاوورد و گامیشان برخوردار است. مادیان کوه در شمال شهر سنقر مرز طبیعی و خط تقسیم آب این دو حوزه است. بدین ترتیب شهرستان سنقر به صورت طبیعی به دو دشت مستقل و دو حوزه آبریز تقسیم می‌شود که حاصلخیزی مزارع کشاورزی را درپی دارد (بیگلری، ۱۳۷۶: ۵۲). در سال ۱۳۳۵ش. سنقر شامل دو دهستان فعله‌گری با ۶۵ آبادی و کلیایی<sup>۱</sup> با ۱۱۲ آبادی بود (بیات، ۱۳۳۵: ۳۷). در منطقه فعله‌گری، مردم طایفه فعله‌گری و در منطقه کلیایی طوایف بیگونه، موسیوند، ورمزیار و صوفیوند ساکن هستند (سلطانی، ۱۳۷۰: ۱/۲۹-۳۱). زبان بخشی از اهالی بومی شهر سنقر ترکی آمیخته به کلمات کردی است و روستاهای اطراف به‌طور کل کردزبان و به لهجه سورانی و آمیخته با لغات گویش کرمانجی صحبت می‌کنند (سلطانی، ۱۳۷۰: ۱/۲۹).

در مورد وجه تسمیه سنقر اطلاعات زیادی وجود ندارد، ولی نویسنده‌گان معاصر در این باره دو فرضیه را مطرح کردند، اول اینکه سنقر نام یکی از فرمانروایان اتابک فارس بوده است که اسیان خود را برای چرا به این منطقه آورده است و نام شهر از آن شخص گرفته شده است، فرضیه دوم وجود پرنده‌ای به‌نام سنقر<sup>۲</sup>

۱. از کلیایی هم به‌عنوان منطقه نام برده شده است و هم ایل، ولی به نظر می‌رسد تمام طوایف که در منطقه کلیایی سکنی داشتند را ایل کلیایی خطاب می‌کردند.  
۲. احتمالاً سنقر معرب کلمه چرخ یا چرخه در زبان فارسی است. چرخه پرنده‌ای

ردیف ۱۳۸۸؛ ۲۹۳۰۰۱۸؛ محل در آرشیو ۸۳۲ ظابا؛ ۲۹۳۰۰۲۹۳۱). محل در آرشیو ۱۰۱؛ ۱۰۲). در کنار آن، خشکسالی و کمبود مواد غذایی در این دوره باعث شد که بسیاری از مردم کرمانشاه بر اثر گرسنگی از بین بروند. شرایط به حدی تأسیف بار بود که مردم از شدت گرسنگی به خوردن علف و ریشه گیاهان روی آوردند (رك: مجد، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۳). بنابراین دلایل فتح‌السلطان برای عدم پرداخت به موقع مالیات‌ها یش تاحدودی موجه بود و وزارت مالیه قاجار هم در اواخر آن به علت ناتوانی در وصول مالیات از طریق قوای قهریه، رویه مماثلات را با فتح‌السلطان در پیش گرفت و پرداخت مالیات‌های او را به سال‌های بعد موكول کرد، اما این دلایل بعد از قدرت‌گرفتن رضاخان و تحول در وزارت مالیه برای این وزارت‌خانه قابل قبول نبود، زیرا همان‌طور که گفته شده رضاخان برای نوسازی و اصلاحات گسترده خود نیاز به منابع مالی داشت و یکی از این منابع، وصول بدھی‌های مالیاتی ملاکین بزرگ بود که شخص فتح‌السلطان هم در این زمرة قرار می‌گرفت (رك: کرونین، ۱۳۸۳: ۳۷۶-۳۷۷).

### تکاپوی وزارت مالیه برای وصول مالیات فتح‌السلطان

رونده وصول مالیات از فتح‌السلطان این‌گونه بود که وزارت مالیه بعد از اصلاحاتی که در آن صورت گرفته بود، اداره مالیه کرمانشاه<sup>۱</sup> را به تسویه بدھی‌های مالیاتی ملاکین بزرگ این ایالت از جمله فتح‌السلطان ملزم کرد. در مقابل مسئولان اداره مالیه کرمانشاه طی نامه‌های زیادی مستمرًا از تعیین تکلیف نشدن باقی‌مانده بدھی مالیاتی فتح‌السلطان شکایت دارند. آن‌ها «اداره کل عایدات داخلی» را مسئول عدم رسیدگی به این موضوع می‌داند و از عدم پیگیری این اداره شاکی هستند (ساکما، شماره ردیف ۱۹۶۹۳؛ ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، محل در آرشیو ۱۱۵الف ۵ پ الف).

اداره مالیه کرمانشاه از سال ۱۳۰۲ش. به بعد چندین بار لیست بدھی‌های مالیاتی فتح‌السلطان را به تهران ارسال می‌کند. این اداره درنهایت طی نامه‌ای به تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۰۶، مفصلًاً شرح چگونگی بدھی فتح‌السلطان را توضیح می‌دهد. در این سند آمده است که در ماههای مرداد و آبان، فتح‌السلطان مقدار ۵۹۴۹ من گندم به اداره

<sup>۱</sup>. در سال ۱۳۰۱ش. که هیئت امریکایی وارد ایران شد از طرف میلسپو «جان دونوی» به عنوان مدیر امور مالیه ایالت کرمانشاه تعیین گردید و وظیفه اصلاح ساختار این اداره را برعهده داشت (میلسپو، ۱۳۹۶: ۴۸-۵۰). احتمالاً تأسیس ادارات مالیه شهرستان‌های کرمانشاه، از جمله اداره مالیه سنقرا در این دوره و با تلاش جان دونوی صورت گرفته است.

شکست‌خورده باقی ماندند، در مقابل فتح‌السلطان به عنوان دشمن امیرامجد به طرف فرمانفرما کشیده شد. با شروع جنگ جهانی اول و کشیده شدن دامنه جنگ به کرمانشاه، فتح‌السلطان از آلمان و عثمانی طرفداری کرد، اما حسینقلی خان امیرامجد در کنار روس و انگلیس می‌جنگید (سلطانی، ۱۳۷۳: ۴/۸۱۳؛ سنجابی، ۱۳۹۳: ۱۳۱۸). به نظر می‌رسد هدف دو خان متند سنقرا از پیوستن به منازعات قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی اول، در اختیار گرفتن حکومت سنقرا و نابودی رقیب محلی خود بود.

فتح‌السلطان ابتدا به کمک نیروهای ایل سنجابی، امیرامجد و حامیان روسش را شکست داد و حکومت سنقرا را به دست آورد (سنجابی، ۱۳۹۳: ۲۳۰؛ سلطانی، ۱۳۷۳: ۴/۸۱۰)، اما بعد از مدتی امیرامجد به کمک روس‌ها فتح‌السلطان را شکست داد، مزارع و املاکش را آتش زد، بر خانه‌های آن‌ها آب بست و بر سنقرا تسلط یافت. فتح‌السلطان هم به ناچار و با جنگ و گریز به میان ایل سنجابی متواری شد (مردوخ کردستانی، ۱۳۷۹: ۵۸۵، سنجابی، ۱۳۹۳: ۲۳). به این ترتیب امیرامجد در مقابل فتح‌السلطان دست برتر را یافت و به تنهایی قدرت اول منطقه شد. بعد از تشکیل دولت موقت ایران در کرمانشاه فتح‌السلطان هم با نیروهای از ایل کلیایی و سپاهیان سنجابی به رهبری علی‌اکبرخان سردار مقندر به رئیس دولت موقت، نظام‌السلطنه مافی پیوست و رشادت‌های فراوانی از خود در مقابل نیروهای روسی به نمایش گذاشت (رك: اتابکی، ۱۳۸۷: ۱۶؛ سنجابی، ۱۳۹۳: ۲۳، ۳۱۸، ۳۲۶، ۳۳۹).

فتح‌السلطان بعد از پایان جنگ جهانی اول، با توجه به حکمرانی امیرامجد در سنقرا و تصاحب املاکش توسط وی، مدتی در تهران متواری بود تا اینکه درنهایت با وساطت سید حسن مدرس، بر سر املاکش بازگشت. او پس از بازگشت به سنقرا از پرداخت مالیات‌های عقب‌افتداده خود امتیاع کرد و خسارت‌های وارد در جنگ جهانی اول به املاکش را علت نپرداختن مالیات ذکر می‌کرد؛ اما مأمورین مالیاتی وزارت مالیه معتقد بودند که فتح‌السلطان از وقوع جنگ جهانی اول و آشفتگی اوضاع جهت نپرداختن مالیات سوءاستفاده کرده است (ساکما، شماره ردیف ۱۹۶۹۳؛ ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، محل در آرشیو ۱۱۵ پ الف).

همان‌طور که بیان شد در جریان جنگ جهانی اول ایالت کرمانشاه محل عبور و درگیری نیروهای نظامی روسیه، انگلیس و عثمانی بود. ایلات منطقه همچون کلهر، سنجابی و کلیایی نیز با این نیروی‌های بیگانه درگیر شدند. این حوادث باعث تخریب اراضی کشاورزی و قحطی در کرمانشاه شد (رك: ساکما، شماره

درنتیجه پیامدهای جنگ جهانی اول و نزاع خوانین سنقر با وی خسارات زیادی دیده، تقاضا دارد که هرچه زودتر براساس پیشنهادات کلnel فرامرزخان عمل گردد و به بررسی بدھی مالیاتی فتحالسلطان خاتمه داده شود (همان‌جا).

در بررسی استناد فوق مشخص گردید فشار وزارت مالیه بر اداره مالیه کرمانشاه برای تسویه سریع تر بدھی مالیاتی فتحالسلطان و بی‌دقیقی یا غرض‌ورزی اداره مالیه سنقر در ارسال به موقع لیست پرداخت‌های مالیاتی فتحالسلطان، اداره مالیاتی کرمانشاه را نسبت به بدھی وی حساس کرده و مستمرماً درخواست وصول مالیات وی را دارد. از طرف دیگر این اداره توسط کارشناس مالیاتی خود متوجه خسارات زیاد به اراضی فتحالسلطان شده، و از ناتوانی او در پرداخت بدھی‌ها یش به علت مشکلات جنگ جهانی اول و درگیری با امیرامجد مطلع گردیده و با پرداخت بدھی‌های گذشته وی به صورت قسطی موافقت می‌کند، اما اداره مالیه سنقر اصرار بر پرداخت بدون تخفیف و کامل بدھی‌های فتحالسلطان را دارد و به نوعی خواهان مصادره املاک او بهجای بدھی‌ها یش است. شرایط پیش‌آمده برای فتحالسلطان دو علت مشخص دارد: اول نوسازی نهادهای مالیه و اصلاح نظام مالیاتی توسط رضاشاه و همچنین اصلاحات گسترده در بخش‌های، سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که برای انجام این اصلاحات، نیاز به دریافت کامل مالیات‌های عقب‌افتاده و جاری اراضی کشاورزی از مالکین بزرگ بود، ولو با تصاحب املاک آن‌ها بهجای بدھی‌ها یشان، **عامل دوم** دسته‌بندی‌های سیاسی، غرض‌ورزی‌های شخصی و رقابت‌های محلی که در قالب کوتاهی مسؤولان اداره مالیاتی سنقر و کرمانشاه در رسیدگی دقیق به محاسبه مالیات‌های فتحالسلطان و مقص جلوه‌دادن وی در مکاتبات با وزارت مالیه خود را نشان داد؛ البته اداره مالیه کرمانشاه همچنان معتقد است محصلان مالیاتی در سال‌های آخر دوره قاجار، بدھی مالیاتی فتحالسلطان را خیلی کمتر از آنچه که باید به دولت پیردازد، محاسبه کرده‌اند (ساکما، شماره ردیف ۱۱۵، محل در آرشیو ۱۹۶۹۳)، محل در آرشیو ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، سال ۱۳۰۰، شماره ردیف ۵ پ الف). به همین علت با محاسبه دقیق و به نوعی سختگیری مالیاتی، بدھی فتحالسلطان بسیار بیشتر از آن مبلغی که خود او و حتی مأموران اداره مالیه کرمانشاه انتظار داشتند، تعیین شد.

لازم به ذکر است که رضاشاه در دوران سلطنتش بیشتر به تصاحب زمین‌های نواحی غربی کرمانشاه پرداخت و علاقه شخصی چندانی به زمین‌های منطقه سنقر در شرق این استان نداشت و اگر مسئولان اداره امور مالیاتی او فشاری بر فتحالسلطان وارد می‌آورد، همان‌طور که گفته شد علاوه‌بر غرض‌ورزی‌های سیاسی و

ارزاق سنقر تحويل داده که چون جوابی از اداره مذکور ارسال نشد، بعد از تحقیق مشخص گردیده که رونوشت تلگراف مذکور اصلاً به دست مسئولان اداره کل نرسیده است. احتمالاً این کوتاهی به علت سهل‌انگاری رئیس و متصدیان اداره مالیه صورت گرفته است. در ادامه اداره مالیه کرمانشاه اقدامات خود را برای وصول بدھی مالیاتی فتحالسلطان ذکر می‌کند و از اعزام کلnel فرامرزخان، مفتش ایالتی برای تحقیق و ملاحظه وضعیت املاک فتحالسلطان و تعیین تکلیف مالیات‌های معوقه ایشان خبر می‌دهد. کلnel مذکور بعد از انجام تحقیقات پیشنهادداده از مبلغ ۹۰۸۱۶-۹۰ قران نقد، ۱۰۰۵-۱۰ من گندم و ۷۴۰۰۵-۱۰ من جو باقی‌مانده بدھی سال ۱۳۰۲ش و مالیات دو ساله ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ش. املاک فتحالسلطان، مبلغ ۵۶۸۵۲-۰۹ من گندم و ۵۷۳۵۲ من جو به او تخفیف دهنده و بقیه را که مبلغ ۲۰۸۲۶۱ قران نقد و مقدار ۱۶۱۵۳۱ من گندم و ۱۶۶۵۳ من جو است از سال ۱۳۰۶ش. به بعد در مدت پنج سال با اقساط سالیانه وصول شود. درنتیجه پیشنهاد کلnel فرامرزخان، اداره مرکزی اجازه این ترتیب وصول مالیاتی را صادر می‌کند. البته طبق محاسبات خود که ارقامش با ارقام پیشنهادی کلnel فرق دارد، اداره مالیه کرمانشاه نیز مراتب را به اداره مالیه سنقر ابلاغ کرده و دستور می‌دهد که بر طبق تلگراف مذکور اقدام کنند (ساکما، شماره ردیف ۱۹۶۹۳، ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، محل در آرشیو ۱۱۵ پ الف). در این میان اداره مالیه سنقر در جواب دستور فوق فقط به ناخرسنی از فتحالسلطان اکتفا نموده و می‌نویسد، لیست صورت‌های مالیاتی وی با لیست اداره مالیه ایالتی به هیچ عنوان مطابقت نمی‌کند و باید بدھی او را برای سال‌های ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳ در سه قسط در سال‌های ۱۳۰۴، ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ش. به همراه مالیات جاری وصول گردد. همچنین در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۰۵ش. امین مالیه سنقر به شیوه‌ای که کلnel فرامرزخان جهت تسویه باقی‌مانده بدھی مالیاتی فتحالسلطان پیشنهاد داده بود، مخالفت نمود و شیوه دیگری را اتخاذ کرد. براساس این شیوه فتحالسلطان باید بهجای مبالغ نقدی برپایه قران، گندم و جو تحويل دهد (همان‌جا).

اداره مالیه کرمانشاه این شیوه اتخاذ‌شده از سوی اداره مالیه سنقر را برای وصول مالیات فتحالسلطان منصفانه ندانسته و آن را در جهت جلب‌نظر رؤسای اداره مالیه سنقر می‌داند. در ادامه این سند آمده است که اگر اداره مالیه سنقر بخواهد به این ترتیب عمل کند، فتحالسلطان به هیچ‌وجه نمی‌تواند از عهده پرداخت بدھی‌ها یش برآید، مگر اینکه دولت چند روستا از املاک وی را به جای بدھی‌اش مصادره کند. در پایان اداره مالیه کرمانشاه با توجه به اظهارات کلnel فرامرزخان که گزارش داده املاک فتحالسلطان

۸ آبادی به صورت شش دانگ و بقیه از پنج دانگ تا نیم‌دانگ در تملک فرمانفرما قرار داشت (ساکما، شماره ردیف ۲۴۰۰۲۱۴۹۲، ۱۳۹۲)، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف (۱).

فرمانفرما در دو مقطع از سال ۱۳۲۰-۱۳۲۴ و ۱۳۲۰-۱۳۲۲ فرمانران کرمانشاه بود (اتحادیه، ۱۳۹۲: ۴۰۶). وی دومین بار در سال ۱۳۳۰ ق. توسط دولت نجفقلی خان بختیاری برای مقابله با اوضاع متشنج غرب کشور در پی آشوب سالارالدوله، با اختیار کامل به عنوان والی کرمانشاه منصوب و راهی منطقه شد (مجموعه استناد فرمانفرما، ۱۳۶۲؛ ۲۰/۱: کسری، ۱۳۵۳). فرمانفرما بعد از آرام‌کردن کرمانشاه، به واسطه نفوذی که یافته بود، دخالت گسترده‌ای در انتخابات مجلس سوم مشروطه در سال ۱۲۹۳ ش. به نفع هم حزبی‌های خود (اعتدالیون) انجام داد (استادوخ، ۱۳۳۶: ۱-۲۴؛ کمام، ۱/۳۰-۴۰؛ ۳/۴۱-۴۰؛ ۳-۶). البته درنهایت دموکرات‌ها پیروز شدند و تلاش‌های فرمانفرما به نتیجه مطلوب نرسید (سنگابی، ۱۳۹۳: ۲۲۸-۲۲۹).

هرچند که کوشش فرمانفرما برای تأثیرگذاری بر انتخابات مجلس کرمانشاه ناکام ماند، اما در زمینه تصاحب زمین‌های منطقه بسیار خوب عمل کرد و همان‌طور که گفته شد بخش‌هایی از اراضی حاصلخیز مناطق مختلف کرمانشاه به‌ویژه سنقر و کلیابی را در حوزه املاک وسیع خود قرار داد. تلاش‌های مستمر فرمانفرما برای کسب مال و دارایی و خرید املاک، باب حشر و نشر او را با مستبدین سرشناس گشود و موجب برهم‌خوردن روابطش با مجاهدین و مشروطه‌خواهان شد (سنگابی، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

### مناسبات مالیاتی فرمانفرما با حکومت مرکزی

فرمانفرما در ماه‌های متنه به انقراض حکومت قاجار و شروع قدرت‌گیری رضاخان نسبت به مالیات‌هایی که دولت بر املاک او وضع کرده بود، اعتراض شدیدی داشت و خواستار میزی دوباره ارضی خود شد، ولی به علی‌که در ادامه بحث به آن پرداخته خواهد شد به اعتراض‌های مکرر او ترتیب اثری داده نشد.

لازم به ذکر است که فرمانفرما در ابتدا تلاش زیادی برای به قدرت رسیدن رضاخان انجام داد و با تقریبی که نزد او به دست آورد، توانست پس‌ران خود نصرت‌الدوله (۱۳۰۵ ش) و محمدولی میرزا را به مناصب کشوری و لشکری برساند. منوچهر فرمانفرماییان فرزند

شخصی و رقبات‌های محلی در راستای تأمین بودجه اصلاحات گستردۀ وی و ارتش نوینش بود. رضاشاه از سال ۱۳۰۵ ش. زمین‌هایی در کرمانشاه خرید که این اراضی بیشتر در مناطقی مانند شاه‌آباد (اسلام‌آباد)، گیلان‌غرب و قصرشیرین قرار داشت. همچنین او در مقابل تصاحب بخشی از زمین‌های مرغوب مالکان در مناطق یادشده، زمین‌های خالصه برخی از مناطق دوردست را به آن‌ها واگذار می‌کرد، برای نمونه او با ثبت اراضی ایل کلهر به اسم خود، زمین‌های خالصه منطقه ذهاب را به آن‌ها واگذار کرد (ساکما: ۳۱۷۴/۳۳۰).

در سال ۱۳۱۴ ش، با گسترش اراضی رضاشاه، اداره املاک اختصاصی در کرمانشاه تأسیس شد. وظیفه این اداره نظارت بر آبادانی و جمع‌آوری بهره مالکانه زمین‌های گستردۀ شاه در کرمانشاه بود (ساکما: ۲۶۴۰/۲۴۰).

رضاشاه در املاک متصrfی کرمانشاه کارهای صنعتی هم انجام می‌داد. برای نمونه او در سال ۱۳۱۲ ش. در املاک منطقه شاه‌آباد، کارخانه قد را با ظرفیت تولید سالانه ۴۰۰۰۰ تن تأسیس کرد و زمین‌های اطراف کارخانه را به کشت چغندر اختصاص داد (ساکما: ۱۶۴/۱۶۷۰). پس از احداث این کارخانه، شهر شاه‌آباد شکل تازه‌ای به خود گرفت و خیابان‌های زیبادی در آن احداث شد (سلطانی، ۱۳۷۲/۳۶۱). بعد از تبعید رضاشاه، مالکین تعدادی از روستاهای ماهیدشت کرمانشاه **شکواییه‌ای** تنظیم کردند و خواستار استداد املاک خود شدند (ساکما: ۲۱۰/۲۳۰).

**عبدالحسین میرزا فرمانفرما و تصاحب املاک سنقر**  
خاندان فرمانفرما جزو خاندان‌های بزرگ و حکومت‌گر دوره قاجار محسوب می‌شد. فیروز‌میرزا فرمانفرما، پدر عبدالحسین، شانزدهمین فرزند ذکور عباس میرزا نایب‌السلطنه بود (فرمانفرما، ۱۳۷۷: ۱۰).

عبدالحسین فرمانفرما سال‌ها در سمت‌های مختلفی همچون حاکم ایالات، وزارت و حتی **رئیس‌الوزرا** قرار گرفت و زمین‌های زیادی را در سراسر ایران به‌ویژه آذربایجان، کرمانشاه و کردستان به دست آورد. ایشان در زمان حکومت بر کرمانشاه که استناد آن مورد بحث مقاله حاضر است، بخش مهمی از املاک سنقر و کلیابی را به املاک سابقش اضافه کرد (سنگابی، ۱۳۹۳: ۲۲۹). در سنقر املاک وی شامل ۲۲ پارچه آبادی بود<sup>۱</sup> که از این ۲۲ آبادی، اراضی

۱. اسامی بعضی از آبادی‌های متعلق فرمانفرما در سنقر بدین شرح است: چوگان، زمین، میخوران، ورسقان، دده عباس، فیروز‌آباد، قلعه چوق، قمام، دره‌باغ، مله کبود،

اعمال مالیات بدون تبعیض بوده و می‌نویسد که به مانند دیگر زمینداران از اراضی وی نیز عشر عایدات دریافت دارند. همچنین او معتقد است که اداره ممیزی باید دوباره املاک وی را ممیزی نماید (ساکما، شماره ردیف ۲۱۴۹۲، ۲۴۰۰۰۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف). در پاسخ به این نامه وزارت مالیه و اداره ممیزی جواهیه‌ای برای فرمانفرما می‌فرستند مبنی بر این موضوع که تا زمان تصویب قانون ممیزی عمومی وزارت مالیه، توسط مجلس شورای ملی، اداره مزبور نمی‌تواند اقدام به کاهش مالیات او نماید و باید صبر کند تا این قانون به تصویب مجلس برسد (همان‌جا).

ظاهرآ علاوه‌بر اینکه فرمانفرما به مالیات بیش از حد اعتراض داشته، عواملی مانند کاهش باران در فصل زراعی و سرمای شدید زمستان، باعث افت محصول کل کرمانشاه بهویژه منطقه سنتر شده است که اعتراض‌های مکرر او را موجه **جلوه** می‌دهد. موضوع خشکسالی و سرمای زمستان در کرمانشاه، حتی یک‌ماه پیش از نامه‌های اعتراضی فرمانفرما مورد تأیید کفیل مالیه کرمانشاه قرار گرفته است، زیرا در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۰۴، کفیل مالیه کرمانشاه در نامه‌ای به «اداره کل عایدات داخلی - مالیات مستقیم»، ضمن تأیید موضوع خشکسالی و سرمای زمستان، به شکایات ملاکین کرمانشاه اشاره کرده و می‌نویسد ملاکین گفته‌اند که توان پرداخت مالیات را ندارند و اگر دولت در تخفیف مالیات ملاکین زیان دیده اقدام نکند در سال‌های آینده خسارات زیادی برای خزانه دولت به همراه دارد (ساکما، شماره ردیف ۲۱۴۹۲، ۲۴۰۰۰۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف). کفیل مالیه کرمانشاه چند پیشنهاد برای تخفیف مالیاتی زیان دیدگان دارد که از جمله این پیشنهادات می‌توان به قسط‌بندی مالیات و نیز اخذ مالیات جنسی گندم و ذرت به جای محصول جو که بیشتر از آفات خسارت دیده، اشاره کرد (همان‌جا).

فرمانفرما که در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه همواره از شاه و ولی‌عهد برای املاک خود و نزدیکانش به بهانه‌های مختلف معافیت مالیاتی می‌گرفت (رك: مجموع اسناد فرمانفرما، ۱/۱: ۱۳۶۲، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵)، اینکه در دوره رضاشاه با وجود خوش خدمتی‌هایی که به شاه داشت، با مشکل عدم توجه به درخواست‌هایش روبه‌رو شده بود. مریم فیروز، فرزند فرمانفرما ریشه اختلاف پدرش با رضاشاه را تلاش شاه برای تصاحب زمین‌های منطقه جعفرآباد تهران فرمانفرما می‌دانست که با مقاومت پدرش همراه بود (فیروز، ۱۳۷۳: ۳۷). فرمانفرما درنهایت زمین‌ها را به شاه بخشید، اما متوجه شد که رضاشاه به این قانع نیست و می‌خواهد تمام زندگیش را بگیرد (همان‌جا). البته علاوه‌بر خصوصیت شخصی

فرمانفرما، ضمن اشاره به روابط دوستانه پدرش با رضاشاه، از او به عنوان یکی از تفنگچیان پدرش یاد می‌کند (فرمانفرما میان، ۱۳۷۷: ۱۵). رضاخان در جریان شورش سالارالدوله، در سال ۱۲۹۱ش. فرمانده نیروهای قراق سپاه فرمانفرما بود. نیروهای تحت امر او در جریان جنگ، **دواودخان کلهر**، فرمانده نیروهای سالارالدوله را کشتند و به غائله او در غرب پایان دادند (سنگای، ۱۳۹۳: ۲۰۷). این روابط به ظاهر دوستانه باعث نشد که متصدیان مالیاتی رضاشاه از کنار بدھی‌های مالیاتی فرمانفرما به راحتی عبور کنند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا وزارت مالیه رضاشاه با بدھی‌های مالیاتی فرمانفرما بسیار **سختگیرانه** و اجحاف‌آمیز برخورد کرد؟ در جواب باید گفت، مشکلات فرمانفرما با وزارت مالیه امری فراتر از یک بدھی مالیاتی بود و باید ریشه آن را در سیاست‌های جدید رضاشاه در مورد نظم نوین مالیاتی و تقویت حکومت مرکزی، با تضعیف خوانین پرنفوذ قاجار جستجو کرد. همان‌طور که در بحث سیاست‌های رضاشاه در امر مالکیت و زمین‌داری گفته شد، رضاشاه قصد داشت با تحت فشار قراردادن زمین‌داران بزرگ و بانفوذ محلی و تصاحب املاک آن‌ها، قدرتشان را به نفع حکومت مرکزی تضییف کند. بنابراین دریافت مالیات از مالکان بزرگ، از جمله مالیات‌های کلان معوقه، علاوه‌بر جنبه‌های اقتصادی به معنای تأکید نمادین بر اقتدار حکومت و سلاح نیرومندی در دست رضاشاه برای مبارزه با عناصر سرکش و متمرد و نخبگان سابق قاجاری بود (کرونین، ۱۳۸۳: ۳۷۷).

اعتراض‌های فرمانفرما در جهت کاهش اجحافات مالیاتی وزارت مالیه در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۰۴ش. یعنی حدود چهارماه قبل از انقلاب قاجاریه آشکارتر شد. وی در نامه‌ای به «اداره کل عایدات داخلی» از مالیات زیاد اراضی سنتر و کلیایی خود شکایت دارد و اجاره این املاک را سالی ۱۲۰۰ تومان نقدی و ۹۰۰ خرووار جنسی ذکر کرده است که از این ۹۰۰ خرووار، سالی ۱۵۰ الى ۲۰۰ خرووار کسری دارد؛ بنابراین خواستار این است که املاک او را دوباره ممیزی کنند و از عشر درآمد زمین‌هایش صورت بردارند تا ثابت شود که هر سال چه مبلغ و چه مقدار بیش از حد معمول از وی اجاره بها دریافت می‌دارند (ساکما، شماره ردیف ۲۱۴۹۲، ۲۴۰۰۰۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف).

او در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۰۴ش، دوباره به «اداره کل عایدات داخلی» نامه می‌نویسد و در آن درخواست قبلی خود مبنی بر تعديل مالیات املاک سنتر و کلیایی را تکرار می‌کند و مالیات وضع شده بر املاک وی را کمرشکن می‌داند. فرمانفرما در این نامه خواستار

بخشی از مالیات آن‌ها را به دیگر اصناف و ملاکین سرشکن کرده بودند- اداره مالیه از فرمانفرما به اسم سرشکن مالیات موسیوند ۳۰ تومان مطالبه کرده است، ولی وی مطابق سال‌های گذشته ۲۳ تومان پرداخت کرده است، در جواب نامه فوق وزارت مالیه به فرمانفرما اعلام می‌کند که دستور رسیدگی داده است (ساکما، شماره ردیف ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱)، شماره ردیف ۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۲۴۰۰۲۱۴۹۲ اما به علی که بیان شد این وزارت‌خانه حاضر به کاستن از فشار مالیاتی فرمانفرما نشد. زیرا سیاست دولت جدید رضاشاه این فشار را برای نابودی خان متنفذ قاجار لازم می‌دانست. اوضاع فرمانفرما در سال‌های بعد بغرنج‌تر شد. او علاوه‌بر اینکه خانه مسکونی و باغ خود را بنا به درخواست رضاشاه به او واگذار کرد (فرمانفرما میان، ۱۳۷۷، دختری از ایران: ۷۰؛ مجبور شد بعد از محکومیت نصرت‌الدوله فیروز، وزیر دارایی رضاشاه در سال ۱۳۰۸ به جرم رشوه‌خواری، مبلغ ۳۲۰۰ لیره یا صدهزار تومانی که پسرش از انگلستان بابت امضای قرارداد ۱۹۱۹ م. ۱ گرفته بود به دولت پهلوی بازگرداند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸: ۲۱۳).

به گفته ستاره فرمانفرما میان، پدرش برای تأمین بازپرداخت این پول مجبور شد املاک زیادی را بفروشد (فرمانفرما میان، ۱۳۷۷، دختری از ایران: ۱۳۳). فرمانفرما بعد از این قضایا درحالی که بهشت از نفوذ سیاسی و تمکن مالی اش کم شده بود، در سال ۱۳۱۸ ش در سن ۸۴ سالگی درگذشت (مجموعه استناد فرمانفرما، ۱۳۶۲: ۱/۱۲).

### نتیجه

با توجه به بررسی استناد فوق می‌توان گفت وصول مالیات از دو زمیندار بزرگ منطقه سنقر و کلیایی در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول شرایط متفاوتی داشت؛ فتح‌السلطان در اواخر دوره قاجار، بهعلت خسارت‌هایی که اراضی او از وقوع جنگ جهانی اول و درگیری با خوانین محلی دیده بود، از پرداخت مالیات امتناع کرد، حکومت قاجار هم بهعلت ضعف قدرت مرکزی در آن دوره، رویه معاشات را در مقابل او در پیش گرفت و بدھی مالیاتی او را به سال‌های آینده موکول کرد، اما همین زمیندار با روی کارآمدن عوامل دولت رضاشاه مورد حسابرسی مالیاتی کامل و حتی

۱. قرارداد ۱۹۱۹ م. را وثوق‌الدوله و دون از اعضای کابینه‌اش (نصرت‌الدوله وزیر خارجه و صارم‌الدوله وزیر دارایی) به نمایندگی از جانب ایران و سربررسی کاکس از طرف بریتانیا امضاء کردند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۸: ۱۲۳).

رضاشاه با خاندان فرمانفرما، تضعیف بنیه اقتصادی متنفذین قاجار از طریق تصاحب املاک آن‌ها، یکی از علل سختگیری‌های مالیاتی رضاشاه با فرمانفرما بود، علل دیگر را باید در تقویت حکومت مرکزی با متلاشی کردن قدرت و نفوذ محلی این خوانین و نیز سوق پیداکردن تأمین بخش بزرگی از بودجه اصلاحات رضاشاه به سوی مالیات‌گیری از زمین‌داران بزرگ دانست.

در ادامه مکاتبات فرمانفرما با دولت جدید رضاشاه، این‌بار او در نامه‌ای به «اداره عایدات داخلی» مدعی است که مأمورین اداره مالیه مبلغ ۱۷۲ تومان تفاوت قیمت ۳۶ خوار گندم مالیاتی املاک پشتکوه کنگاور را بدون دلیل و با پافشاری دریافت داشته‌اند و تقاضا می‌کند که این مبلغ را حالا که گرفته‌اند، برای مالیات امسال املاک آنجا یا املاک تهران وی محسوب دارند. فرمانفرما با گلایه از اینکه تاکنون به مکاتبات وی ترتیب اثری نداده‌اند، دوباره تقاضا می‌کند که مبلغ مذکور را به مالیه همدان تحويل دهدن که بابت املاک او در این شهر محاسبه کنند (ساکما، شماره ردیف ۵۱۷ ت ۴ ب الف ۱)، شماره ردیف ۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۲۴۰۰۲۱۴۹۲.

ظاهراً نظم نوینی که رضاشاه به کمک آتور میلسپو در وزارت مالیه به وجود آورده بود، فرمانفرما را مظلوم کرده بود. او که در مدت حکومت بر کرمانشاه به روش‌های مختلف ثروت خود را کسب کرده، از دستدادن آن برایش دشوار بود. علی‌اکبرخان سنجابی در این مورد می‌نویسد: «فرمانفرما به شیوه خود هرجا که مأمور می‌شد با مردم محل درمی‌آمیخت و با آن‌ها وصلت می‌کرد و در معاملات کلان آن‌ها شریک می‌شد. به همین ترتیب در کرمانشاه نیز زن گرفت و صاحب اولاد شد و املاک خریداری کرد. هیچ حاکمی به استثنای عمام‌الدوله دولتشاه (۱۲۶۷-۱۲۹۳ق)، مانند او بر مردم کرمانشاه نفوذ باقی نگذاشت و هیچ‌یک از آن‌ها مانند او مال و منال و ملک و ثروت نیاندوخت» (سنجبایی، ۱۲۹۳: ۱۴۹-۱۵۰). فرمانفرما در مدت حکمرانیش در کرمانشاه، نه تنها تلاشی در جهت رفاه و آبادانی این شهر انجام نداد (سنجبایی، ۱۳۹۳: ۱۵۰)، بلکه تدبیات گاهوبیگاه او به املاک مردم سنقر و کلیایی صدای تظلم‌خواهی مردم این منطقه را درآورده بود (رک: روزنامه صوراسرافیل، شماره ۳۸: ص ۵).

نامه دیگر فرمانفرما به «اداره کل عایدات داخلی- مالیات مستقیم» است که برای چندمین بار از احتجاجات مالیاتی مأمورین وزارت مالیه شکایت دارد. او این‌بار به مبالغ اضافی که به اسم سرشکن مالیات ایل موسیوند از وی گرفته‌اند، اعتراض دارد- ظاهراً بهعلت خرابی و ویرانی اراضی ایل موسیوند در سنقر و کلیایی،

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، (کمام)، سند شماره ۳۷/۴/۱۳۰/۱  
روزنامه صور اسرافیل (۱۳۳۲ق)، شماره ۳۸.

### کتاب

- آوری، پیتر (۱۳۷۳). *تاریخ معاصر ایران*، ج ۱، ترجمه محسن رفیعی مهرآبادی، تهران: عطای.
- آبراهامیان، بیواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمدگل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
- اعتصام الملک، میرزا خانلرخان (بی‌ت). *سفرنامه خانلرخان اعتصام الملک*، تهران: منوچهر محمودی.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۱). *کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن*، ج ۱، تهران: نگارستان کتاب.
- اتابکی، تورج (۱۳۸۷). *ایران و جنگ جهانی اول (میدان نبرد قدرت های بزرگ)*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- بیات، عزیزاله (۱۳۳۵). *جغرافیای مختصر کرمانشاه*، کرمانشاه: چاپ محمدی.
- بزرگ امید، ابوالحسن (۱۳۶۳). *از ماست که بر ماست*، تهران: دنیای کتاب.
- بیگلری، هرمز (۱۳۷۶). *تاریخ کرمانشاه در عصر قاجار*، تاق بستان: کرمانشاه.
- ترکمان منشی، اسکندریگ (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای عباسی*، مصحح ایرج افشار، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲). *حیات یحیی*، تهران: عطار.
- زرگ، علی اصغر (۱۳۷۲). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه*، ترجمه کاوه بیات، انتشارات بروین و معین.
- ستجایی، علی اکبرخان (۱۳۹۳). *ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران (خطاطات علی اکبرخان سردار مقنتر سنجایی)*، به تحریر و تحشیه کریم سنجایی، تهران: پردیس دانش.
- سیف، احمد (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: چشم.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، با مقدمه عبدالحسین نوابی، ج ۱، ۳ و ۴، تهران: مؤلف.
- شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۶۸). *سیما احمدشاه قاجار*، تهران: گفتار.
- عینالسلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عینالسلطنه*، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- عیسوی، چالز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران (قاجاریه، ۱۳۳۲-۱۴۲۵هـق)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- فرماننفرما، فیروز میرزا (۱۳۷۷). *نامه‌های حکومتی فیروز میرزا فرماننفرما*، تصحیح فتح الله کشاورز، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- فرماننفرما میان، ستاره (۱۳۷۷). *دختری از ایران*، تهران: کارنگ.
- فرماننفرما میان، منوچهر، فرماننفرما میان، مریم (۱۳۷۷). *خون و نفت*، تهران: ققنوس.

اجحاف‌آمیزی قرار گرفت، زیرا دولت جدید نوسازی‌های گستردگی در بخش‌های مختلف نظامی، اقتصادی، آموزشی و فرهنگی آغاز کرده بود و برای پیشبرد این اصلاحات نیاز به تأمین بودجه از مالکینی همچون فتح‌السلطان داشت. از نظر نظامی هم آنچنان قدرتمند بود که هرگاه اراده می‌کرد می‌توانست بدھی مالیاتی را وصول و یا حتی املاک فتح‌السلطان را به جای مالیات مصادره کند. بنابراین فتح‌السلطان در برابر وزارت مالیه حکومت پهلوی تسليم بود و با وجود غرض‌ورزی‌های مسئولان محلی ستره با وی، فقط با ارسال نامه درخواست تخفیف مالیاتی داشت.

فرماننفرما شرایط متفاوتی با فتح‌السلطان داشت؛ او که خود یکی از ارکان حکومت قاجار بود، در این دوره از حمایت شاهان قاجار برخوردار بود و همواره از تخفیف‌های مالیاتی بخوبی نشود، ولی در دولت رضاشاه نه تنها از تخفیف مالیاتی برخوردار نشد، بلکه طبق اسناد بررسی شده، از اجحافات مالیاتی هم شکایت داشت. این شرایط فرماننفرما تابع سه عامل زیر بود: اول اینکه او نیز مانند فتح‌السلطان و دیگر زمینداران بزرگ موظف بود با پرداخت مالیات اراضی خود بودجه اصلاحات گستردگی رضاشاه را فراهم آورد. دوم رضاشاه تلاش داشت با فشار بر خوانین متنفذ قاجاری از نفوذ محلی و منطقه‌ای آن‌ها در جهت تقویت قدرت مرکزی بکاهد، فرماننفرما هم با توجه به پیشینه‌ای که داشت در این حوزه قرار می‌گرفت. سوم طمع شخصی رضاشاه به اراضی و زمین‌های حاصلخیز فرماننفرما بود که قصد داشت این املاک را به ثمن بخس به دست آورد.

### منابع

#### اسناد

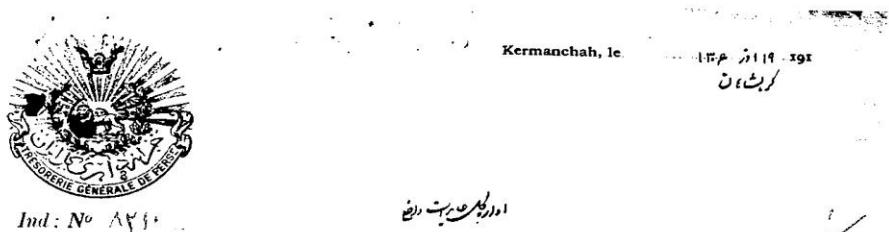
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، (استادوخ)، سند شماره ۱۳۳۶-۲۴۱۵.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (سакما)، شماره ردیف ۱۹۶۹۳، ۲۴۰۰۰۱۹۶۹۳، محل در آرشیو ۱۵ الف پ الف.
- ساقما، شماره ردیف ۲۱۴۹۲، ۲۴۰۰۰۲۱۴۹۲، محل در آرشیو ۵۱۷ ت ۴ ب الف.
- ساقما، شماره ردیف ۱۸۳۸، ۲۹۳۰۰۱۸۳۸، محل در آرشیو ۲۸۳۲ بآ.
- ساقما، شماره ردیف ۲۹۳، ۲۴۰۰۰۲۹۳، محل در آرشیو ۶۱۰ آ۱۱۲.
- ساقما، همدان، شماره ردیف ۲۳۰۰۰۲۳۲۵.
- ساقما، همدان، شناسه سند ۲۴۰۰۰۲۱۰۶۱.
- ساقما، شناسه سند ۲۳۰/۳۱۷۴.
- ساقما، شناسه سند ۲۴۰/۲۶۴۰۱.
- ساقما، شناسه سند ۲۳۰/۳۱۷۴.
- ساقما، شناسه سند ۰۰۶۲۰۰۰۱، شماره فیش ۲۱۰۴/۲۳۰.

## مقالات

- آفگلزاده، فردوس، داوری، حسین (۱۳۸۴). «وازگان معرب فارسی در فرهنگ ریشه‌شنختی آکسفورد»، **دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی**، شماره پنجم، صص ۱۴۷-۱۵۸.
- اتحادیه، منصوره و مریم کاشفنیا (۱۳۹۲). «اسناد عبدالحسین فرمانفرما»، **مجله پیام بهارستان**، شماره ۱، صص ۴۰۵-۴۳۱.
- الهیاری، فریدون و دیگران (۱۳۹۵). «بررسی مواضع بازاریان تبریز در قبال سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی اول با تکیه بر اسناد (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش)»، **مجله تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام**، سال هفت، شماره ۱۳.
- یانی، بهمن (۱۳۸۸). «بدھی سپهدار اعظم تنکابنی به دولت»، **پیام بهارستان**، شماره ۶، تبریزی‌نیا تبریزی، مجتبی (۱۳۸۲). «عبدالحسین میرزا فرمانفرما»، **محله کتاب ماه تاریخ و چغراویا**، شماره ۷۵، صص ۲۰۱-۲۰۲.
- علم، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۳). «برنامه تجدد و نوسازی ایران در عصر رضاشاه پهلوی»، **تحقیقات تاریخ اجتماعی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول.
- شمس، مهری «گزارشی از وضعیت مالیات خراسان در ۱۳۲۹هـ ق (با تکیه بر مالیات اصناف)»، **محله گنجینه اسناد**، صص ۵۲-۶۴.
- کرمی، شایان، رحمانیان، داریوش (۱۳۹۸). «مالکیت اختصاصی در کرمانشاه (پهلوی اول)»، **پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران**، سال هشتم، شماره اول، صص ۹۱-۱۰۴.

- فیروز، مریم (۱۳۷۳). **حاطرات مریم فیروز (فرمانفرما بیان)**، تهران: اطلاعات.
- لمتون، آن (۱۳۶۲). **مالک و زارع در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، نظام الاسلام (۱۳۵۷). **تاریخ بیداری ایرانیان**، تصحیح علی‌اکبر سعیدی، ج ۲، تهران: فرهنگ ایران.
- کسری، احمد (۱۳۵۳). **تاریخ هیجده ساله آذربایجان**، تهران: امیرکبیر.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۳). **رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین**، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاهان (۱۳۸۵)، به کوشش رضا آذری شهرضاوی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مکی، حسین (۱۳۶۲). **تاریخ بیست ساله ایران**، ج ۶، تهران: نشر ناشر.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). **شرح زندگانی من**، تهران: زوار.
- مجده، محمدقلی (۱۳۸۷). **قطخطی بزرگ (۱۲۹۸-۱۳۹۸)**، ترجمه محمد کریمی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- میلسپو، آرتور و دیگران (۱۳۹۶). **وضعیت مالی و اقتصادی ایران در دوره رضا شاه (مجموعه گزارشات)**، ترجمه شهرام غلامی، تهران: تاریخ ایران.
- مردود کردستانی، محمد (۱۳۷۹). **تاریخ مردودخ**، تهران: کارنگ.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۴). **مشاهیر کرد**، جلد ۲، تهران: سروش.
- مجموعه اسناد عبدالحسین فرمانفرما ۱۳۲۵-۱۳۴۰ق (۱۳۶۲)**، تصحیح منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، ج ۱، تهران: تاریخ ایران.
- نامی، میرزا محمدصادق (۱۳۶۸). **تاریخ گیتی گشای**، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- یادداشت‌های محمدولی خان تنکابنی به دولت (۱۳۷۸)**، به کوشش اللهیار خلعتبری، فضل الله ایرجی، با مقدمه رضا شعبانی، تهران: دانشگاه بهشتی.

## ضمائمه



اداره پلیس پست رفیع Ind: No ۸۲۱۰

دروجاب عکس کشیده از خود در عرض پشت بخش بدهن همیشگی مغفره رفیع را تصریح می کند دراد نوادره در برخان حکومت ایران  
۱۵۹۴۶۹ در این کشمکش که داشت در زده درست ۱۳۵۱ بایله این کشمکش را مزبور داردند یکه دهنخ دکمی می پرسند عرض همیشگی مغفره رفیع  
دروجاب عکس از خود در عرض پشت بخش بدهن همیشگی مغفره رفیع را تصریح می کند دراد نوادره در برخان حکومت ایران  
۱۵۹۴۷۰ مکنند در عرض پشت بخش بدهن همیشگی مغفره رفیع را تصریح می کند دراد نوادره در برخان حکومت ایران  
دیگر عرض را کشیده از خود دارند این مکنند در عرض پشت بخش بدهن همیشگی مغفره رفیع را تصریح می کند دراد نوادره  
شاید عرض را کشیدن وقت تعقیب رفیع را ندانند این می بینند در عرض پشت بخش بدهن همیشگی مغفره رفیع را تصریح می کند  
که در این طبقه می باشد ۱۳۵۳ میرا خواهد شد ۱۳۵۴ میرا خواهد شد ۱۳۵۵ میرا خواهد شد ۱۳۵۶ میرا خواهد شد  
مکنند در عرض را کشیده از خود دارند این مکنند در عرض پشت بخش بدهن همیشگی مغفره رفیع را تصریح می کند دراد نوادره  
وقت پنهان او تقدیر رفیع را ایشان می بینند باز که در عرض پشت بخش بدهن همیشگی مغفره رفیع را تصریح می کند  
که اداره ایشان بعده رفیع را تقدیر رانند اداره ایشان و اداره پس پسر ۱۳۵۷ میرا خواهد شد ۱۳۵۸ میرا خواهد شد  
وقت پنهان در عرض مغفره رفیع را تقدیر رفیع را  
تعقیت شدند فدر رفیع را تقدیر رفیع را  
کنند ۱۳۵۹ میرا خواهد شد ۱۳۶۰ میرا خواهد شد ۱۳۶۱ میرا خواهد شد ۱۳۶۲ میرا خواهد شد ۱۳۶۳ میرا خواهد شد  
کنند ۱۳۶۴ میرا خواهد شد ۱۳۶۵ میرا خواهد شد ۱۳۶۶ میرا خواهد شد ۱۳۶۷ میرا خواهد شد ۱۳۶۸ میرا خواهد شد  
برهت زده ۱۳۶۸ میرا خواهد شد ۱۳۶۹ میرا خواهد شد ۱۳۷۰ میرا خواهد شد ۱۳۷۱ میرا خواهد شد ۱۳۷۲ میرا خواهد شد  
۱۳۷۳ میرا خواهد شد ۱۳۷۴ میرا خواهد شد ۱۳۷۵ میرا خواهد شد ۱۳۷۶ میرا خواهد شد ۱۳۷۷ میرا خواهد شد  
۱۳۷۸ میرا خواهد شد ۱۳۷۹ میرا خواهد شد ۱۳۸۰ میرا خواهد شد ۱۳۸۱ میرا خواهد شد ۱۳۸۲ میرا خواهد شد  
۱۳۸۳ میرا خواهد شد ۱۳۸۴ میرا خواهد شد ۱۳۸۵ میرا خواهد شد ۱۳۸۶ میرا خواهد شد ۱۳۸۷ میرا خواهد شد  
۱۳۸۸ میرا خواهد شد ۱۳۸۹ میرا خواهد شد ۱۳۹۰ میرا خواهد شد ۱۳۹۱ میرا خواهد شد ۱۳۹۲ میرا خواهد شد  
دیگر عرض را کشیده از خود دارند این مکنند در عرض پشت بخش بدهن همیشگی مغفره رفیع را تصریح می کند  
بدقیقت رفیع می خواهد که این اتفاق در این طبع این میگذرد این میگذرد این میگذرد این میگذرد این میگذرد  
دوستی و این میگذرد  
از عرض پشت بخش بدهن همیشگی مغفره رفیع را تصریح می کند دراد نوادره در برخان حکومت ایران





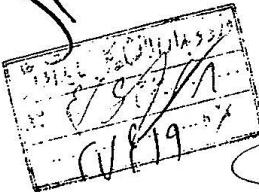
پناری ۵ شهریور ۱۴۰۱

۳۱ ۱۷  
۱۱

عبدالحسین  
فرمان فرمانیان  
۵۵۵۸۵

اداره محکومیت دلیل - دایرہ میراث

در این مقرر مورد ایجاد شده در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۹۷ راجح به تعیینات اداره محکومیت دلیل این بحث عوچه و دلیل این قسم  
شده است (تعییب قانون میراثی عمومی در ادارت مالیه نموده اند ادامه تعیینات ادارک یعنی، نموده باشند  
و مطلع نباشند از این اتفاق نداشت در ادارت صولاته و غایب ادارک حضورها ادارل این بحث در جوان مدارج  
نمایند و داد و ستد این اتفاق را در این ادارت نمایند و میراثی (تعییب قانون میراثی) بنای این دلیل میراثی عکس داد و جوان این اتفاق  
اعظیم شود - نقاطی را که نمایند دلیل ای اگر قدر کفته شوند هستند هستند هستند هستند هستند هستند هستند  
لئن این بحث تعیین در این نیست - لئن این دلیل ای ادارل این بحث فرق نباشد هستند هستند هستند هستند هستند هستند هستند  
ستورهای ادارک را میراثی محدود نمایند ادارات در حقیقت دلیل ای این بحث محدود نباشد هستند هستند هستند هستند هستند هستند  
اعظیم شوند این اتفاق نمایند و میراث در این تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۹۷ تاریخ اداره محکومیت دلیل این اتفاق  
که اکنون نمایند و میراثی نمایند نمایند و میراثی نمایند - خواهیم بود هستند هستند هستند هستند هستند هستند هستند  
حقیقت دلیل ای این بحث را میراث نمایند ادارک این بحث میراثی نمایند - خواهیم بود هستند هستند هستند هستند هستند هستند



۱۴۰۱/۱۱/۲۹  
۱۳۹۷

Kermanshah, le ..... ۱۹۱



Ind: №

۵۲۷۳۲,۲۰	۵۱۷۳۲,۳۰	۲۴۹۶۱,۱۵	بهر آقصی مع نهاد ماز رفیع شرکت
۱۲۶۵۴,-	۱۲۱۵۲,۲۰	۲۰۸۲۲,۲۰	بزرگ بطریق اتفاق صورت شده تا
۳۶۰۷۹,۲	۳۵۵۸۰,۱	۴۴۱۳۵,۶۵	نمرت

۵۲۷۳۲,۲۰	۵۱۷۳۲,۳۰	۲۴۹۶۱,۱۵	بهر آقصی مع نهاد
۳۹۰۸۱,۲۰	۳۹۰۸۱,۲۰	۴۸۴۲۴,۱۵	بر اتفاق صورت شده تا
۱۳۱۴۵,-	۱۲۸۴۰,-	۱۲۵۳۷,-	ساده

۳۹۰۸۱,۲۰	۳۹۰۸۱,۲۰	۴۸۴۲۴,۱۵	بهر آقصی
۱۲۶۵۴,-	۱۲۱۵۲,۲۰	۲۰۸۲۲,۲۰	بزرگ بطریق
۲۲۹۳۴,۲۰	۲۲۹۳۰,۱	۲۷۵۹۸,۶۰	صورت نهاد

بهر آقصی مع نهاد  
بزرگ بطریق اتفاق صورت شده تا  
صورت نهاد

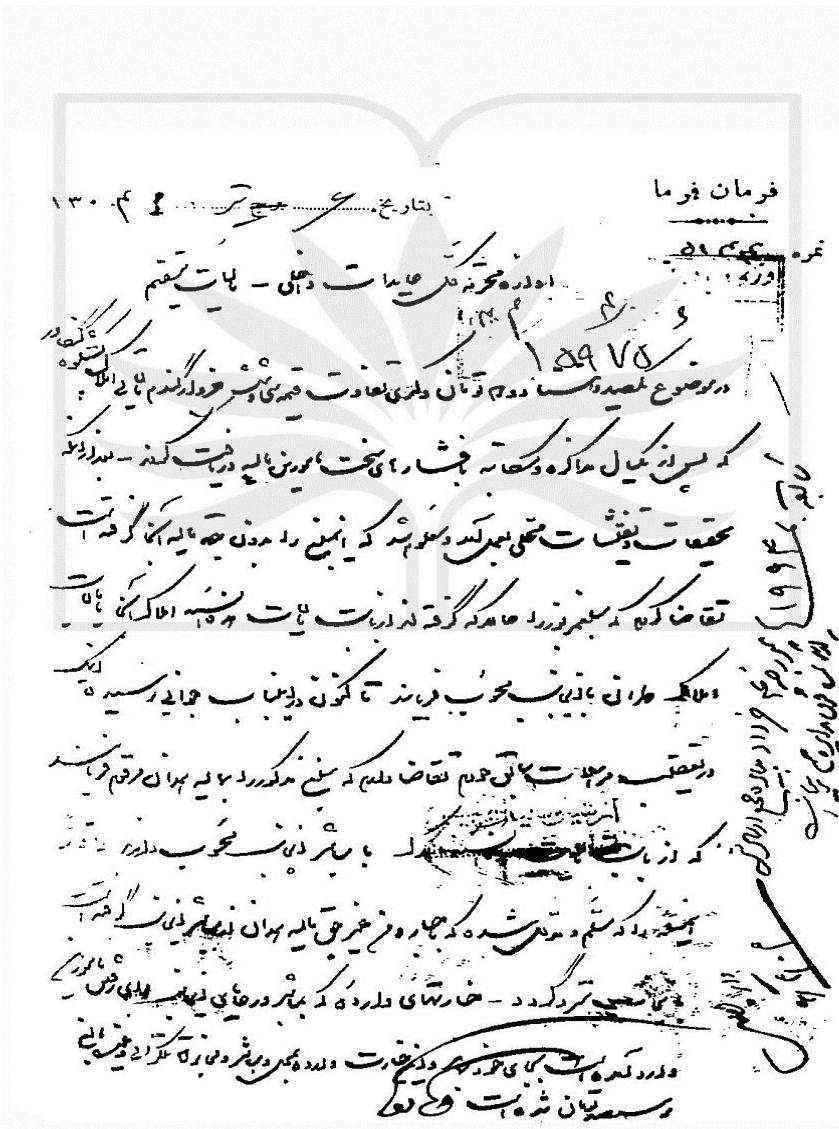
۱۸۲

۹

بهر آقصی مع نهاد  
بزرگ بطریق اتفاق صورت شده تا  
صورت نهاد

۱۸۲

۹



فرمان فرما

نمره شعبه ۱۴۳

نادیم ۱۳۴۳ شهر شبان

## اداره محروم علیات محل - پایان نعمت

در تاریخ ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۳ راجی بپرسن بوسیمه نهضت آذربایجان - تا کنون چنان در این دارمایه هنوز نیافریده - لین بنت آذربایجان  
 که از زیارت نوروز شد و در هر کار زیارت اداره شاهزادگان، آن بادنسته نه لایحه داشته - که در این روز از این  
 درویش مایل به آن بنت دسته تواند که باید بهم نویسند و مصحت قوانین بابت ذوقات اینها ببلده - خواست  
 آذربایجان ذوق متعففه تو صلح دلم عذرخواهی کنم که باید کار دیگم - که در جرده نایات نهدی که پیش از این مجموعه نهضت  
 آذربایجان این بنت نهاده شده بود که این مدت دلم داده این اداره محروم علیات را با اینهای فرستاده ام - سفر قوانین باشند  
 نهضت آذربایجان این بنت نهاده شده بود که این مدت دلم داده این اداره محروم علیات را با اینهای فرستاده ام -  
 تیران شفنه نشسته سده و پایله داده ام - میتوانند بنت دسته توانند که این باید بایست - دیگر لین مصحت قوانین بست  
 دندی هم نادهنست که تازگاه سپاهیت - لین بست که سپاهی بهم نایات نهدی همیشگاه در حفظ این  
 از این روز که قدرت پیش از داده از داشته است - بر این هنرخواهی معاشر بازیلیزیان نیز دهندر بایت بکوئینه است  
 آنها مله همچوی دیگری است از این موقع فرانه که نیم هنرخواهی است که می بینند نامه را بوقت اینها  
 درست بدمیر بیهوده را دو هشتم ناده سفر را در فرم این اینها را درست نمایم  
 بهره اهی هم دارم  
 سلم و ( از درست کننده اینها که اینها )



۱۴۳۴-۱۳۴۳

۲۵۰

## صدرت دیت مطبع نشریه حضرت پرست پرورد افغان

ردیف	نام	هر صفحه			محتویات
		نوع	قرآن	باقی	
۱	سند جوان	۵۵۷	۱۳۱۵	۱۳	۵۳۴۳
۲	سند زین	-	۳۱۰۱	۲۰	۳۲۵۱
۳	سند شیراز	۳۰۰	۳۲۴۶	-	۱۰۵۵
۴	سند دستان	-	۶۲۳	-	۱۴۰۱
۵	سند دودمان	۵۹۷	۱۸۷	۲۵	۳۴۲۱
۶	سند فیض	۱۵۰	۱۱۸۷	۳۰	۱۲۸۱
۷	سند فخر آله تبریزی	۱۰۰	۱۹۸	-	۷۶۴۴
۸	سند شیراز بخت ۲۴	۶۰	۸۲۴	۲۲	۸۸۵
۹	سند شکل	۳۰۵	۴۰۵	۲۰	۳۲۷
۱۰	سند قام	۵۰۰	۸۵۵	-	۱۸۵۰
۱۱	سند دروغ	۹	-	-	-
۱۲	سند علی	-	۲۵	-	-
۱۳	سند فیض	-	۳۸۸	۱۸	۴۶۵
۱۴	سند پیغمبر	-	۸۱۵	-	۱۱۰۰
۱۵	سند کریم	۳۰	۴۵۳	-	۵۶۴
۱۶	سند مجتبی	۱۵۰	۱۳۸۱	-	۵۶۳
۱۷	سند حسین	-	۷۳	-	۱۴۵
۱۸	سند شیراز	۵۰	۳۵	-	۶۹
۱۹	سند صالح	۵۰۰	۴۰	۲۰	۳۷
جمع پرسنل افسوسی ۱۳۳۲					
۲۰	سند فخر آله بخت علی	۵۰	۲۴۲	۱۸	۳۶۹
۲۱	سند شیراز بخت علی	۵۰	۱۲۱	-	۱۲۹
۲۲	جمع افسوسی شیراز بخت علی	۵۰	۲۱۷	۱۰	۴۱۵
جمع پرسنل افسوسی جباری					
جمع مطبع سقراطی					
صدرت دیت مطبع نشریه حضرت پرست پرورد افغان					
صوت صدیق و قرآن					
تصویری					

Kermanshah, le ..... ۱۹۱



کتابخانه ملی ایران  
۱۳۰۲  
۸۱۸۵۵  
۲۱

پست تکمیل

Ind: № ۹۷۱۹

وزارت صنایع - دوره کار عادت

۱۳۰۲	۸۱۸۵۵
۲۱	۱۴۳۵۵

دروجوب معم مطاع عصر ۱۱۱۶۲) در زم ۱۱ خوب راجح رکبت ۱۱۱۶۲ ل قصیده شعر در وصف برخی پات پرورد  
هزار کل رو شاهزاده در نسخه ۱۳۰۴ هزارخانی ده سخن، بعد طغیه مویونه شرح محل پژوهش در چهارین  
احد که از نویسنده برجام محمد حسین خان حم پیشتر خواندن کنند خان در حق و مذهب، آنچه عجیف یافته خودند پنجه، آن دوست  
منول چیزی تکمیل وقت بودند شریه نظر بخطه مناخ نیست، دیوی هم خود در عیات حال پیش مویونه بخش نیست؛  
لجان پیشتر خود در بینه بخضده بخواهد، تاقی و تهیه کر همان طغیه مویونه را در پیش بخاف و باغات و طلاقان شفر  
قداد نیز خود و خدمه هر چیز طرقی مسدیده، و بقیه سوی هم بیانات دارد که طلاقی یک مرگ رئیس نهاده اند در آن در رایه این  
شماره آخر، در میان داکوت ۵۷ شور تسبیح شده است، فعلاً بعد مویونه آنکه دوره دلخواهی همیشگی همیشگی همیشگی  
بیش بیست و پنجم دیوان و مکرسو، هموده، نیم خطر از زندگانی و این فیض مویونه به علیه دزد پیش بخورد از این  
دین طرقی بعنی پیشتر شود تهور یه شد و شد و نیز دلایل دینی و آنکه مویونه در فقرات دیگر مادرات بیهوده داشت یا  
کنم قصی و دوزیر ایم دن بیرو از قبه برآمد همچنان در دزد مویونه هم صدر فتوی مسجد قدهات بجهز خواهد شد  
نه کنم قدر صور زیسته. ۴ یکجا پیش تاکه

میرزا ..... را ایل ..... باید ملنا نداشت بدینه بیهوده بجهز خواهد شد